ادامه از صفحه اول

«به‌اضافه» اصلاح‌طلبان منهای «اصولگرایان»

این جابه‌جایی مفهوم اعتدال با متوسط‌بودگی، موجب عصیان طیف‌هایی خواهد بود که به دلایل خصلتی و موقعیتی تن به متوسط‌بودگی نخواهند داد. از همه‌دست در این طیف‌ها پیدا می‌شوند: مردم عادی، سیاست‌مداران، هنرمندان و روشنفکران که با کمال‌گرایی اُخت شده‌اند، به‌سرعت از رویکردِ اخیر دولت ناامید خواهند شد و آن را به دیگر بخش‌های جامعه تسری خواهند داد. نمونه بارز این متوسط‌بودگی که دولت به آن تن داد، انتخابات مجلس دهم است که دیگر جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شناسد و هر دو طیف را دربر می‌گیرد. شاید در طول تاریخ معاصر سیاسی ایران، این نخستین‌بار است که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، دو رقیب دیرینه با رقیب جدی‌تری مواجه شده‌اند و با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اصلاح‌طلبان ناگزیر شده‌اند برای جلوگیری از فهرستِ انتخاباتی متوسط، به ائتلاف با اصولگرایان تن دهند. بااین‌حال این فهرست، آن فهرستی نیست که اصلاح‌طلبان به‌تمامی از آن خشنود باشند. اما چه خشنود باشند، چه ناخشنود، چندان مهم نیست. مسئله این است که آیا در گذر ایام به این متوسط‌بودگی قناعت خواهند کرد؟ درواقع اصلاح‌طلبان بر اثر فقدان به این فرایند روی آورده‌اند. برخلافِ اصولگرایان که به‌خاطر انباشت نیروها در دولت هشت‌ساله پیش، با مازادِ نیروهای متوسط روبه‌رو شده‌اند و برای اینکه فهرستی ببندند که بیانگر چهره واقعی آنها باشد، ناچار به حذف افرادی دست زده‌اند که گمان می‌برند در نبودِ آنها به فهرستی نامتوسط دست خواهند یافت. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان هر دو در اشتباه‌اند. نه اصلاح‌طلبان به‌اضافه محافظه‌کاران و نه اصولگرایان منهای اصولگرایان می‌توانند چنین فهرستی را به ارمغان بیاورند. این هژمونی متوسط‌بودگی است که دامن آنها را گرفته است. آنها بیش از آنکه توان رفتارِ حال خود را بدهند، هزینه رفتار گذشته خود را می‌دهند.

همچنان برای دولت اعتدال، زمان در نقطه صفر است، گذشته‌ای ندارد که تاوانش را بدهد، اما گذشته چیزی نیست که ساخته نشود. گذشته‌ای که حسن روحانی از خود به‌جا می‌گذارد، بیش از آنکه دامنگیر دیگران شود، دامن خودش را خواهد گرفت. از آنکه بر مبنای گذشته او و عملکردش را قضاوت می‌کنند. آیا جابه‌جایی مفهوم اعتدال با متوسط‌بودگی کار دست دولت یازدهم خواهد داد؟ پاسخ این پرسش ساده نیست، خاصه در عرصه سیاسی ایران.

روایت حسن سبحانی از عملکرد مجالس در ادوار گذشته

اقتصاد دغدغه گروه‌های سیاسی نیست

شرق: «اقتصاد دغدغه سیاست‌مداران نیست». عصاره کلام حسن سبحانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و نماینده مردم دامغان در ادوار پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی در سخنرانی‌اش در مؤسسه دین و اقتصاد حول این مسئله می‌چرخد. برهمین‌اساس است که عملکرد گروه‌های سیاسی مختلف را در دوره‌های مختلف مجلس مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند: «مسئله اقتصاد و توسعه ایران در مجالس مختلف، مسئله دسته‌های سیاسی نبوده است و رفتارهای مشابه از سوی جناح‌های مختلف فریاد می‌زند که حل مسائل اقتصاد با خوش‌بین‌بودن به رفتن این جناح یا آن جناح به مجلس پیش نمی‌رود». به عقیده سبحانی، در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار تحول بنیادی در این سیستم را داشت، اما می‌توان انتظار کاهش نرخ رشد تخریب را در سر پروراند.

عکس: رنوفه رستمی، شرق

در این سال‌ها مجلس برای قانون‌گذاری محدودیت‌هایی فراتر از قانونی اساسی را تجربه کرده است و تا حدودی برای کسانی که بخواهند وظایف قانونی خود را در راستای توسعه کشور انجام دهند، محدودیت‌هایی ایجاد شده که به جزئی از محدودیت‌های ذاتی مجلس درآمده است و همین مسئله انگیزه برای حضور در مجلس فعال را کم می‌کند. در شرایطی که قانون اساسی و شرع باید دو ملاک اصلی برای مجلس قلمداد شود، مشاهده می‌کنیم که ملاک‌های دیگری پا به عرصه می‌گذارند و لزوم مطابقت با آنها نیز مطرح می‌شود. به همین دلیل قانون‌گذاری تا حدودی با محدودیت‌های قابل‌اعتنا مواجه است. اهمیت این نهاد آن‌قدر زیاد است که باز هم در این مجموعه محدودیت، بتوان امیدوار به اقدامات مثبت بود، اما در شرایط کنونی اقدامات مثبت از جنس تلاش برای کارهای ایجابی کمتر از جنس تلاش برای کارهای سلبی است. به این معنا که ممکن است کوشش و تلاش برای قانون‌گذاری نسبت به استقلال و مانع‌شدن از مصوباتی که می‌تواند تخریبی باشد، کم‌اهمیت‌تر و کمتر امکان‌پذیر باشد. در مجموع ارزیابی کار نمایندگان را می‌توان به دو صورت داشت؛ اینکه تا چه اندازه در قانون‌گذاری‌های مفید نقش داشته‌اند و تا چه اندازه مانع از مصوباتی شده‌اند که آن مصوبات قابل‌دفاع نبوده‌اند. برداشت من این است که با وجود اهمیت هر دو، در روزگار کنونی، اهمیت عملکرد دوم پررنگ‌تر شده است. پرویز خرسند در کتاب خود با نام «مرثیه‌ای که ناسروده ماند» شعری را می‌سراید که وصف حال شرایط کنونی ماست: «ما آن‌قدر در تاریکی دست و پا زده‌ایم که پرتو نیم‌مرده شمعی را خورشید می‌انگاریم». در ابتدا به دو اصل قانون اساسی اشاره می‌کنم. در اصل ۸۴ قانون اساسی آمده: «هر نماینده در قبال همه ملت مسئول است و حق دارد در تمام مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند». مقیاس نمایندگی را از حوزه نمایندگی کوچک به سطوح ملی ارتقا می‌دهد. در اصل ۸۶ قانون اساسی نیز تأکید شده: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملا آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». بنا بر این دو اصل، مسئولیت نماینده در برابر همه ملت و مصونیت او در برابر اجرای آن مسئولیت از اصول درخشان قانون اساسی است. درست است که مواردی در اجرا به‌خصوص در اصل ۸۶، در عرصه سیاست مشکلاتی را برای نمایندگان ایجاد کرده اما این به آن معناست که نمایندگان در مسائل دیگری جز مسائل سیاسی مانند مسائل اقتصادی و اجتماعی و... هم باید بایسته‌ترین حرف‌ها را بدون ترس از تعقیب و مواخذه داشته باشند. در نتیجه افرادی که واجد این دو شرط هستند، دارای اختیارات وسیعی می‌شوند. البته همین قانون اساسی به این منتخبان اجازه داده است از وزرا و رئیس‌جمهور سؤال و حتی استیضاح کنند. فرجام استیضاح از رئیس‌جمهور را نیز به اظهار رأی عدم صلاحیت سیاسی رئیس‌جمهور معطوف و او را برکنار کنند. مجلسی با حضور نمایندگانی که قسم خورده‌اند حافظ منافع کشور و ملت باشند و هیچ قانونی برای منحل‌کردن آن نیز در قانون اساسی وجود ندارد. عملا آنچه اتفاق می‌افتد آن است که کثیری از افرادی که به هر دلیلی از جناح‌های مختلف به مجلس آمده‌اند، نشان نداده‌اند که می‌توانند عظمت و عمق این اختیارات و مسئولیت‌ها را تبلور بخشند.

رفتارهای مشابه گروه‌های سیاسی در اقتصاد

تجربه گذشته نشان می‌دهد مسئله اقتصاد و توسعه ایران در مجالس مختلف، مسئله دسته‌های سیاسی نبوده است. رفتارهای مشابه از سوی جناح‌های مختلف فریاد می‌زنند که حل مسائل اقتصاد با خوش‌بین‌بودن به رفتن این جناح یا آن جناح به مجلس پیش نمی‌رود. قوانین عمده‌ای که در مجلس درباره آن اظهارنظر می‌شود مانند لایحه بودجه و برنامه، تاکنون معمولا به اشکال نادرستی تحویل و به اشکال نادرست‌تری تصویب شده‌اند. درباره بودجه، اصل ۵۲ قانون اساسی تأکید می‌کند لایحه بودجه مطابق قانون تهیه می‌شود و برای بررسی و تصویب مطابق ضوابط در اختیار مجلس قرار می‌گیرد. در این ۳۷ سال، قانون مربوط به اصل ۵۲ قانون اساسی را ننوشته‌ایم. درست است که در قانون محاسبات سال ۶۶ و اندکی هم در قانون برنامه و بودجه سال ۵۱، نکاتی درباره تهیه بودجه وجود دارد، اما چون این نکات کاملا متناسب با همه آنچه قانون اساسی تشکیل می‌دهد نیست، می‌توان ادعا کرد ما قانون نحوه تنظیم بودجه نداریم. بنابراین دولت‌ها به هر صورتی که بودجه را به مجلس تحویل دهند، کاری خلاف قانون نکرده‌اند و مجالس نیز به هر صورتی که در آن دخل و تصرف کرده باشند، باز هم خلاف قانون نکرده‌اند، زیرا اصولا قانونی برای آن وجود ندارد. بنابراین در عمل بسته به اینکه چه کسانی در دولت یا مجلس باشند، منویات خود را در هر سال با عنوان لایحه بودجه به مجلس می‌آورند. در مجلس هم عرف این است که افراد تلاش کنند به آنچه دولت آورده، بیفزایند. نتیجه آنکه اگر بودجه را مجموعه سیاست‌ها، درآمدها و هزینه‌هایی در نظر بگیریم که پیش‌بینی می‌کنیم در سال آتی وصول شود و آن را به وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی که برای انجام این مهم مأموریت قانونی گرفته‌اند، اختصاص دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که بودجه در مجلس بررسی و تصویب نمی‌شود. آنچه در مجلس در زمان بررسی لایحه بودجه تصویب می‌شود، تبصره‌ها و بندهایی است که دولت و نمایندگان به ماده واحده بودجه اضافه می‌کنند. بودجه که عبارت است از ارقام و تخصیص منابع به جز در بررسی کلیات آن، اصولا از سوی مجلس بررسی نمی‌شود. در واقع بودجه‌هایی که به تصویب می‌رسد، قوانین یک‌ساله‌ای به نام تبصره‌های ماده واحده است. وقتی کسانی اختیارات دارند، اما بلد نیستند چگونه از آن اختیارات در تصویب بودجه استفاده کنند، آثاری که از بودجه نامصوب در جامعه حاصل می‌شود، دامن آنها را نیز می‌گیرد. سالیان سال است که در بخش بودجه قوانین یک‌ساله‌ای با عنوان تبصره اضافه و تکرار شده و سپس کسانی با توجه به علایق خود در دولت یا مجلس گفته‌اند به علت افزایش حجم، بهتر است آنها را در یک کتابچه تنظیم کنیم و به‌عنوان قانون دائمی در نظر بگیریم. بنابراین لزوما هیچ هماهنگی و سازگاری بین تبصره‌ها وجود نداشته است. در نتیجه دوسوم و حتی گاهی سه‌چهارم بودجه کل کشور را بودجه شرکت‌های دولتی تشکیل می‌دهد و این بودجه هیچ‌گاه در مجلس بررسی و تصویب نمی‌شود. یک‌بار یکی از رؤسای مجلس زمانی‌که می‌خواست رأی برای بودجه بگیرد گفت آنچه در این ۱۵ روز تصویب کردیم به علاوه همه کتاب‌هایی که در اختیار ما بود و آنچه در مافی‌الضمیر نمایندگان است، به تصویب گذاشته می‌شود! این بودجه از حیث بازنگری اینکه دستگاه دولتی مطابق آنچه باید خرج شود، هزینه کرده است یا نه، در اختیار دیوان محاسبات قرار می‌گیرد. صحنه ارائه گزارش تفریغ دیوان محاسبات از بودجه‌ها در مجلس از صحنه‌های بسیار غم‌انگیز است، زیرا همه تمایل دارند ببینند آنچه تصویب شده به عمل درآمده است یا نه و قاعدتا باید اشتیاقی از سوی نمایندگان وجود داشته باشد، اما چون نمایندگان بودجه را تصویب نمی‌کنند، به‌طور ذاتی و منطقی علاقه‌ای به پیگیری نتایج عملی‌شدن آن ارقام نامصوب خود ندارند. در یکی از مجالس آن‌قدر بی‌اعتنایی به استماع گزارش تفریغ بودجه وجود داشت که رئیس مجلس ناچار شد برای اینکه خبرنگاران این وضع بد را آن‌طور که بود منعکس نکنند، گزارش را قطع کند و بگوید خبرنگاران عنایت داشته باشند نمایندگان در حال یادداشت‌برداری از گزارش هستند و همه می‌دانستند این حرف به چه معناست. لایحه تفریغ بودجه در زمان‌هایی خوانده می‌شد که تعداد نمایندگان از ۱۹۴ پایین‌تر می‌آمد و مجلس حدنصاب قانون‌گذاری نداشت و برای اینکه دوباره به ۱۹۴ برسد، بخشی از گزارش تفریغ خوانده می‌شد و بعد که به ۱۹۴ می‌رسید دوباره به دستور اصلی برمی‌گشت. با این شیوه مواجهه با بودجه، چه انتظاری می‌توان داشت که تحولاتی در کشور ایجاد شود؟ مصداق این رفتار درباره برنامه‌ها نیز برقرار بود. مطابق برنامه و بودجه سال ۵۱، برنامه عمرانی داریم و چیزی با نام برنامه توسعه در قوانین پیش‌بینی نشده بود.

ادامه در صفحه ۵

بورس

بازار بر مدار انتظارات مثبت

محمدهادی مؤمن‌زاده . کارشناس بازار سرمایه

● بازار سهام چهل‌ونهمین هفته خود را همراه با اتفاقاتی همچون کاهش نرخ بهره و عرضه اولیه جذاب پتروشیمی فجر پشت‌سر گذاشت. در پایان معاملات هفته منتهی به ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۴، شاخص کل با ۳۹۰ واحد افزایش نسبت به هفته قبل، به رقم ۷۷هزارو ۸۸۸ واحد رسید. در این هفته شاخص بازار اول با ۹۸ واحد کاهش به رقم ۵۴هزارو ۲۳ واحد بالغ شد و شاخص بازار دوم با سه‌هزارو ۲۰ واحد افزایش عدد ۱۷۳هزارو ۲۳۱ واحد را تجربه کرد و به‌ترتیب با ۰،۱۸ درصد کاهش و ۱،۷۷ درصد افزایش نسبت به هفته قبل مواجه شدند. در پنج روز کاری این هفته ارزش کل معاملات سهام و حق‌تقدم به ۲۶هزار و ۵۵۶ میلیارد ریال بالغ شد که نسبت به هفته قبل ۲۰،۵ درصد افزایش یافته است. براین‌اساس تعداد ۶۱۴هزارو ۲۱۸ برگه اوراق مشارکت به ارزش ۶۱۶ میلیارد ریال معامله شد که به‌ترتیب ۳۴،۳ درصد و ۳۴،۴ درصد افزایش نسبت به هفته گذشته را نشان می‌دهد. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر بازار سرمایه، کاهش نرخ سود بانکی در هفته گذشته بود. این کاهش نرخ می‌تواند علاوه بر جذابیت بازار سهام، بر ارزش‌گذاری ابزارهای مالی مثل اوراق بدهی و اسناد خزانه نیز مؤثر باشد. بسیاری از فعالان بازار با این کاهش نرخ، انتظار افزایش ارزش نمادهای اخزا را داشتند؛ نمادهایی که حتی بلومبرگ نیز تضمین پرداخت سود توسط دولت در کنار سود بالای آنها را عاملی برای جذابیت آنها دانست و عنوان کرد یکی از ابزارهای مالی موجود است که مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی نیز قرار گرفته است. در این هفته ۲۰۰ میلیون سهم معادل هشت‌درصد از سهام شرکت پتروشیمی فجر متعلق به شرکت هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس به‌عنوان چهارصدونودوپنجمین شرکت پذیرفته‌شده برای اولین‌بار پس از پذیرش و درج نام شرکت در فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازار دوم در نماد بفجر عرضه و هزارو ۱۵۰ تومان کشف‌قیمت شد. بسیاری از تحلیلگران نقدینگی موردنیاز برای خرید این سهم را عاملی برای فشار فروش دیگر سهام و منفی‌شدن بازار عنوان می‌کردند و کاهش شاخص در روز سه‌شنبه را شاهدی بر این مدعا می‌دانستند. اما جو مثبت بازار سبب شد در کنار این عرضه اولیه جذاب، شاخص با رشد همراه شود و گروه خودرویی همچنان با رشد قیمتی و صف‌های خرید با اقبال بالایی به کار خود پایان دهد. دراین‌میان صف خرید نمادهای خساپا، خزامیا و خودرو قابل‌توجه بود. به نظر می‌رسد در هفته‌های آتی، ارائه پیش‌بینی‌های شرکت‌ها بتواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران که با انتظار مثبت اقدام به خرید سهام کرده‌اند، مؤثر باشد.

عنوان شاخص	۲۱ بهمن	۲۸ بهمن	تغییر
کل	۷۷۴۹۷،۹	۷۷۸۸۸	۳۹۰،۱
شاخص قیمت	۲۹۷۳۸،۱	۲۹۸۶۲،۹	۱۲۴،۸
شاخص کل (هموزن)	۱۲۸۶۵،۴	۱۲۹۰۳،۴	۳۸
شاخص قیمت (هموزن)	۱۰۸۶۰	۱۰۸۷۶	۱۶
آزاد شناور	۸۷۰۹۸،۳	۸۷۳۳۰،۴	۲۳۲،۱
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۲۷	۳۱۴۳،۱	۱۶،۱

ارز و طلا

فریز بازارها

● **شرق:** بازار ارز و طلای تهران آخرین روز کاری هفته را در کمال آرامش به شب رساند؛ حتی اونس جهانی طلا هم آرام بود و تغییر خاصی نداشت. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: دلار با آنکه در معاملات روز پنجشنبه تا سه‌هزارو ۵۰۷ تومان هم پیش رفت اما در آخر وقت بازار به سه‌هزارو ۴۹۹ تومان رسید که در مقایسه با پایان معاملات روز چهارشنبه فقط یک تومان فرق می‌کرد. سکه طرح جدید هم در معاملات این روز تا ۹۸۸هزارو۵۰۰ تومان بالا رفت و بعد بر حدود قیمتی ۹۸۲هزار تومان ایستاد اما در نهایت به ۹۸۳هزار تومان توقف راضی شد و با ۱۲هزار تومان حباب منفی به معاملات خود پایان داد. اونس جهانی طلا هم تا ساعت شش بعدازظهر روز پنجشنبه بی‌حرکت بود اما با پایان معاملات در مدار صعودی قرار گرفت و تا هزارو ۲۴۰ دلار هم افزایش یافت. در ساعت شش بعدازظهر به وقت تهران هر اونس طلا با ۱۰ دلار افت روی هزارو ۲۳۰ دلار ایستاد.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۹۹	−۱
یورو	۳۹۱۰	+۱۵
پوند	۵۰۳۵	+۱۲
درهم	۹۵۴	−۲

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۸۳۰۰۰	−
طرح قدیم	۹۸۱۰۰۰	−
نیم	۴۹۷۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۶۵۰۰۰	−
گرمی	۱۸۵۰۰۰	+۲۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۹۷۰۰	−۳۰۰
اونس (دلار)	۱۲۰۶	−۴

آنجا که می‌روند، آنها که می‌آیند

تأملی بر دیپلماسی صنعتی آبی‌پوشان جاده مخصوص

یک ماه بیشتر از اجرائی‌شدن برجام می‌گذرد و در این مدت ایرانیان با هیأت‌های اقتصادی و سیاسی مختلفی از سراسر دنیا سر میز مذاکره نشسته‌اند. مذاکراتی که پیش از این نیز در دوسال‌واندی گذشته از عمر دولت روحانی کم‌وبیش ادامه داشته اما اینک رنگ‌وبویی جدی‌تر به خود گرفته است. آذرماه سال ۹۲ بود که حسن روحانی برای شرکت در اجلاس داووس به سوئیس رفت. حضور روحانی در جمع هیأت‌های مختلف خارجی با استقبالی قابل توجه همراه بود و نویددهنده تمایل جدید اروپایی‌ها و غربی‌ها و حتی آسیایی‌ها به ایران بود؛ تغییر رویکردی که با برگزاری جلسات مختلف قابل انتشار و غیرقابل انتشار همراه شد. حسن روحانی آن روز در سخنرانی‌اش از تغییر رویکرد ایران به نوع سرمایه‌گذاری در کشور خبر داد. به جرئت می‌توان گفت او در آن روز تابوی چندساله سرمایه‌گذاری در جاده مخصوص تهران را شکست و برای نخستین بار از امکان سهام‌دارشدن برندهای اروپایی در شرکت‌های ایرانی حرف زد. او به صراحت اعلام کرد که چنانچه برندهای اروپایی و آسیایی و به‌طورکل شرقی و غربی بخواهند در ایران سرمایه‌گذاری کنند، ایران با آغوش باز پذیرای آنهاست و درعین‌حال امکان سهام‌دارشدن این برندها در ایران را فراهم می‌کند. موضوعی که تا آن زمان به مخیله هیچ‌یک از برندهای خارجی خطور نکرده بود که می‌توانند در ایران سهام‌دار خودرویی شوند!

هرچند صحبت‌های رئیس‌جمهور در آن زمان واکنش‌هایی را در داخل به همراه داشت و برخی از عدم امکان‌پذیری این موضوع صحبت می‌کردند، اما در همان وانفسا نیز اولین چرخش‌ها به سمت برندهای فرانسوی و آلمانی صورت گرفت؛ چراکه آنان سابقه حضور در ایران را داشتند و حتی زمانی ایران خود سهام‌دار بنز آلمانی بود و حالا اگر موضوع خرید سهام خودروسازان مطرح باشد شاید این برندها خود را نسبت به سایر رقبا محق‌تر به سهام‌داری می‌دانستند. شرط‌گذاشتن برای برندهای برتر دنیا آنچه در آن زمان تصور نمی‌شد، البته این بود که روزی ایران برای برندهایی که برای خود در دنیا اسم و رسمی دارند، شرط‌وشروط تعیین کند. شرط‌وشروطی که امروز به نام دیپلماسی صنعتی ایران‌خودرو خوانده می‌شود و زیرکانه چرخ صنعت خودروی ایران را روغن‌زنی کرده است. هرچند روزهای بعد از داووس تا دو سال بعد با کشمکش و رفت‌وآمد برندهای معتبر آسیایی و اروپایی همراه بود، اما کمتر کسی بار دیگر از سهام‌دارشدن بی‌چون‌وچرای خودروسازان خارجی در ایران سخن به میان آورد. گویا هنوز هم سهام‌دارشدن خارجی‌ها در ایران همان اندازه که برای ایرانیان کلمه‌ای تازه بود برای اروپایی‌های که زمانی در ایران سهم قابل‌توجهی از بازار را در اختیار داشتند، دور از ذهن می‌نمود. آنها نیز سعی داشتند با گذشتن از کنار سهام‌دارشدن در جاده مخصوص به فکر تداوم همکاری باشند که زمانی به خاطر تنگ‌نظری‌های غربی و ترس از آینده‌ای نامعلوم به ترک از ایران منجر شده بود. در همان روزها و ماه‌ها بود که پژو خرسند از سابقه تاریخی حضورش، بیرق‌دار حضور سریع‌تر در ایران شده بود و با مذاکرات پیدا و پنهان با مسئولان آبی‌پوش جاده مخصوص سعی داشت از محبوبیت شیر شناخته‌شده‌اش - برند پژو- استفاده کرده و هرچه سریع‌تر وارد ایران شود. اما آلمان‌ها از همان ترفند همیشگی خود استفاده کردند و در نخستین ساعات لغو تحریم‌های ایران از سوی اروپا، هواپیمای اختصاصی‌شان را در مهرآباد تهران به زمین نشاندند و بدون فوت وقت به کیلومتر ۱۴ رفتند تا ضمن بازدید از خط تولیدی که زمانی بنزهای تجاری زیادی روی آنها تولید شده بودند رابطه خدشه‌دارشده‌شان را ترمیم کنند. البته ناگفته پیداست همکاری ایران‌خودرو با بنز چنان روشن است که فاصله بین فرود هواپیمای ژرمن‌ها تا امضای تفاهم‌نامه همکاری تولید خودروی تجاری بنز و البته رایزنی برای تولید خودروی سواری، کمتر از ۱۲ ساعت طول کشید و به این ترتیب بنز نخستین شریک رسمی ایران در روزهای بعد از تحریم شد. پژو که خود در ایران با رقیب دیرینه‌اش یعنی رنو در حال چالش است اما از قافله عقب نماند و با نشستن سر میز مذاکره با آبی‌پوشان این‌بار با گاردی باز به میدان مذاکره آمده و در مذاکراتی طولانی و فشرده سند همکاری را امضا کرد که دیگر خبری از امتیازات قبلی نبود و جزئیات دیگری در آن جای گرفته بود.

دیپلماسی صنعتی ایران‌خودرو با ۲ رویکرد

بنز و پژو، دو خودروساز اروپایی قراردادهایی را با ایران‌خودرو امضا کردند که همگی براساس یک اصل در دیپلماسی صنعتی آبی‌پوشان جاده مخصوص شکل گرفته بود؛ سرمایه‌گذاری نقدی، انتقال تکنولوژی و انجام صادرات. این موارد نشان می‌دهد اگرچه ایران‌خودرو به فکر تعامل با شرکت‌ها و کشورهای خارجی برای همکاری‌های جدید است، اما قصد ندارد در این تعاملات طرف خارجی را دست بالا ببیند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت ایران‌خودرو در همکاری‌های مشترک برون‌مرزی و داخلی دو رویکرد مشخص را پیش گرفته است؛ نخست عدم‌سرمایه‌گذاری نقدی، وقتی به کشورهای دیگر می‌رود و دیگری الزام به سرمایه‌گذاری مستقیم مالی برای شرکت‌هایی که می‌خواهند به ایران بیایند. الزاماتی که در بندهای موجود در دو قرارداد داخلی و دو قرارداد خارجی که به‌تازگی منعقد شده است به خوبی مشخص است. براساس قراردادی که میان گروه صنعتی ایران‌خودرو، دولت عمان و بخش خصوصی این کشور در مسقط به امضا رسید، طرفین متعهد شدند تا نسبت به ایجاد یک شرکت با هدف سرمایه‌گذاری مشترک سه‌جانبه اقدام کنند. بر همین اساس، طرف‌های عمانی شامل دولت و بخش خصوصی، با تأمین ۸۰ درصد از مبلغ کل سرمایه‌گذاری و ایران‌خودرو با آورده ۲۰درصدی به صورت غیرنقدی در قالب خدمات فنی و مهندسی و تکنولوژی تولید، خط تولید محصولات دنا و رانا را در منطقه آزاد «دُقُم» راه‌اندازی خواهند کرد. عمان، دروازه ورود به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس است و با توجه به پیمان منطقه‌ای بین این کشورها، دریافت مجوز ورود و فروش کالا در این کشور به معنی انجام این کار در تمام کشورهای عضو است. عمان عضو سازمان جهانی تجارت نیز هست و بنا بر مقررات این سازمان، تعرفه پنج‌درصدی برای واردات خودرو وضع کرده است، ازهمین‌رو در بازار خودرو عمان فضای رقابتی حاکم است. با توجه به اندک‌بودن مسافت میان دو کشور و اشتراکات دیگر ازجمله در حوزه فرهنگی، شرکت ایران‌خودرو از مزیت رقابتی مناسبی برای حضور در این کشور برخوردار است.

البته گروه صنعتی ایران‌خودرو قرارداد مشابهی نیز با الجزایر امضا کرده است. این قرارداد هم همچون قرارداد عمان با رویکرد و الزام عدم سرمایه‌گذاری این گروه صنعتی امضا شده است اما قرارداد الجزایر کمی با قرارداد عمان متفاوت است. براساس این قرارداد که در دی‌ماه سال جاری امضا شد، گروه صنعتی ایران‌خودرو با امضای قرارداد با بخش خصوصی الجزایر، فروش خط تولید و انتقال خدمات فنی- مهندسی به این کشور را آغاز کرده است.

نکته قابل‌تأمل در این قرارداد همچون قرارداد عمان عدم سرمایه‌گذاری ایران‌خودرو در این کشور است. این رویداد در حالی از زمستان ۹۴ آغاز می‌شود که خودروساز ایرانی هیچ نیازی به سرمایه‌گذاری مستقیم برای حضور در بازار این کشور آفریقایی ندارد. این همان تاکید بر حضور بدون سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای خارجی و رویکرد جدید ایران‌خودرو در حوزه صادرات است. تولید خودرو در هر دو کشور الجزایر و عمان با لایسنس ایران‌خودرو نیز یکی دیگر از افتخارات قراردادهای جدید خارجی این گروه صنعتی است.

الزام به سرمایه‌گذاری در قراردادهای داخلی

درعین‌حال، همین رویکرد به‌نوعی دیگر در قراردادهای داخلی قابل‌مشاهده است. هرچند ایران‌خودرو درحال‌حاضر با دو خودروساز اروپایی قرارداد بسته است که پیش از این نیز در کیلومترهای جاده مخصوص حضور داشتند اما تفاوت‌های قرارداد فعلی با قرارداد قبلی وجه تمایز رویکرد فعلی آبی‌پوشان است.

ایران‌خودرو براساس رویکرد الزام به سرمایه‌گذاری در داخل کشور برای خودروسازان اروپایی با دایملر و پژو پای میز مذاکره نشست و در نهایت هم دو خودروساز اروپایی متعهد به سرمایه‌گذاری و ایجاد شرکت مشترک با ایران‌خودرو شدند. در هفته نخست بهمن‌ماه بود که گروه صنعتی ایران‌خودرو و شرکت پژو در جریان سفر هیأت بلندپایه سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به فرانسه قرارداد همکاری‌های مشترک خود را امضا کردند. این قرارداد که با حضور رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، نخست‌وزیر فرانسه، وزیر صنعت، معدن و تجارت و مدیران ارشد صنعتی دو کشور به امضای مهندس هاشم یکه‌زارع، مدیرعامل گروه صنعتی ایران‌خودرو و کارلوس تاوارس، رئیس هیأت‌مدیره شرکت پژو سیتروئن، رسید، براساس رویکرد و استراتژی جدید ایران‌خودرو تنظیم و نهایی شد؛ رویکردی که ایجاد شرکت مشترک ایرانی- فرانسوی، سرمایه‌گذاری مستقیم و نقدی پژو در ایران، انتقال فناوری و تولید محصولات به‌روز دنیا و استفاده از بازار صادراتی محصولات پژو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از مهم‌ترین محورهای آن به‌شمار می‌رود.

این برای نخستین‌بار است که یکی از خودروسازان برتر دنیا از طریق سرمایه‌گذاری مالی مستقیم در کل فرایند و زنجیره صنعت خودرو ایران حضور پیدا می‌کند. براین‌اساس در این قرارداد سه محور اصلی مورد توجه قرار گرفته است، به‌این‌ترتیب گروه صنعتی ایران‌خودرو و پژو به‌زودی شرکتی مشترک با سهام‌داری مساوی را ایجاد خواهند کرد که به تولید جدیدترین محصولات پژو براساس پلتفرم مورد استفاده ایران‌خودرو خواهد انجامید. علاوه‌براین، امکان استفاده از بازارهای صادراتی این محصولات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) نیز محور دیگر قرارداد است.

یکی از موضوعات مورد توجه در قرارداد جدید با پژو تقویت شبکه پس از فروش خودروهای موجود و خودروهایی است که در آینده تحت این قرارداد تولید خواهند شد. درحال‌حاضر در نتیجه همکاری‌های گذشته دو شرکت حدود چهار میلیون خودرو پژو در ایران تردد می‌کنند، تعدادی از محصولات پژو درحال‌حاضر نیز در ایران‌خودرو تولید می‌شوند که امضای قرارداد همکاری‌های جدید شرایط را برای ادامه تولید این خودروها و همچنین تقویت شبکه خدمات پس از فروش تسهیل می‌کند. به این جهت می‌توان این توافق‌نامه را توافق‌نامه‌ای استراتژیک و نقطه عطفی در دوران تحریم‌های بین‌المللی به‌شمار آورد که به گروه پژو سیتروئن و ایران‌خودرو کمک می‌کند تا فصل تازه‌ای را در تاریخ همکاری‌های خود شروع کنند.

بنز هم شرط ایران‌خودرو را پذیرفت

قرارداد با بنز که پیش از قرارداد با پژو در تهران منعقد شد نیز از چارچوب این قرارداد خارج نیست. دایملر با حضور دوباره خود در ایران قصد دارد هم در بازار خودروهای تجاری و هم در بازار خودروهای سواری ایران حضور یابد. درعین‌حال این گروه خودروسازی اروپایی با سهام‌داری شرکت قطعه‌سازی تبریز رویکرد جدیدی از همکاری با ایران را آغاز کرده است که به نظر می‌رسد منافع بلندمدت خاصی را برای ایران به‌همراه خواهد داشت. به‌این‌ترتیب دیپلماسی صنعتی آبی‌پوشان جاده مخصوص موجب شد تا ضمن امضای تفاهم‌نامه همکاری ایران‌خودرو با شرکت خودروساز دایملر مالک مرسدس‌بنز، آام‌گ و اسمارت دو شرکت مشترک میان ایران و این شرکت آلمانی ایجاد شوند.

دایملر به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده کامیون در جهان و ایران‌خودرو که بزرگ‌ترین خودروساز خاورمیانه به شمار می‌آید، قصد دارند با تأسیس یک شرکت مشترک، از مزیت‌های نسبی یکدیگر استفاده کرده و ضمن تحکیم جایگاه خود، یک قطب تولید خودروهای تجاری در منطقه را ایجاد کنند. دایملر و شرکت بنز سابقه قابل اعتنا و اتکایی در همکاری با گروه صنعتی ایران‌خودرو داشته‌اند که این امر می‌تواند در مسیر پیشروی این دو خودروساز راهگشا باشد. البته ناگفته پیداست محصولات تجاری دایملر همیشه در ایران از محبوبیت برخوردار بوده است و درحال‌حاضر برای خودروهای تجاری تقاضای بالایی در ایران هست؛ بنابراین پس از لغو تحریم‌های ایران، بنز در حال برنامه‌ریزی برای ازسرگیری سریع کسب‌وکار در این بازار است. امضای تفاهم‌نامه با شریک تجاری خود در ایران، پیش‌نیاز مهمی برای از سرگیری سریع این کسب‌وکار است.